

روانشناسی شخصیت زنان

نگین هاشم زاده^۱

چکیده

روانشناسی شخصیت امروزه یکی از پررنگ‌ترین مباحث روز بوده و در این راستا نظریات روانشناسان مختلف و پژوهش‌های علمی مورد بررسی قرار گرفته تا بتوان به تغییر و تحول درست و مورد قبول در آن جامعه رسید در واقع اصل مطلب این است که باید به خود بانوان آموزش درست داده شود تا بتوانند با علم به ویژگی‌های ذاتی خود نقش متناسب در جامعه بگیرند. این که تاثیرات و ابعاد مختلف رفتاری زنان چه قدر می‌تواند افراد یک جامعه را شکل دهد و در جامعه امروزی باید مشخص شود که در قاره‌ها و ملل مختلف اروپایی و آسیایی با زنان یکسان برخورد می‌شود یا خیر؟! جهت شناخت روانشناسی شخصیت زنان به روش اسنادی معلوم شد که شناخت انواع تیپ‌های شخصیتی زنان انسان‌ها را به داشتن یک خط مشی منظم در زندگی کمک کرده است. پس با دانستن این موارد و با تکیه بر شناخت عوامل تاثیر گذار بر شخصیت زنان می‌توان آسیب‌های موجود در جامعه را به حداقل رساند.

کلید واژه‌ها: الگوهای رفتاری، تفاوت‌های جنسیتی، تاثیرات اجتماعی و فرهنگی، روانشناسی شخصیت زنان.

۱. طلبه سطح دو، مدرسه فاطمیه اندان.

مقدمه:

روانشناسی زنان یکی از شاخه‌های مهم روانشناسی است که به بررسی ویژگی‌ها و علایق روانی زنان می‌پردازد. با افزایش توجه مسائل اجتماعی و جنسیتی در دهه‌های اخیر این رشته اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در این مقاله به بررسی تاریخچه مفاهیم کلیدی پرداخته می‌شود و همچنین دیدگاه‌های عمده در روانشناسی زنان پرداخته خواهد شد.

در این مقاله بیشتر به این کلام پرداخته می‌شود که خانم‌ها ۵ بعد اصلی شخصیت دارند که شامل توافق پذیری، برونگرایی، وظیفه شناسی و غیره می‌شود. دوم اینکه زنان هم تاثیرات اجتماعی را اثر می‌پذیرند و هم بر آن اثر می‌گذارند که شامل تغییراتی در الگوهای رفتاری فرهنگی و تفاوت‌های جنسیتی می‌شود که در ذیل متن بدان پرداخته خواهد شد.

جامعه امروزه با توجه به مشکلات و مسائلی که دست به گریبان آن می‌شود نیازمند این است که آن قسمت از مباحث روحی روانی زنان را بررسی نماید تا بلکه بتواند چالش‌های پیش آمده در این باره را حل و فصل کند. با توجه به اینکه زنان در قرن ۲۱ حضور بیشتر فعال‌ترین در اجتماع دارند باید دانست که نحوه برخورد درست با آنان چگونه است؟! زیرا زنان در فرایند اجتماعی سازی در کشور نقش‌های متفاوت و خاصی را ایفا می‌کنند.

روانشناسی شخصیت زنان ابعاد مختلف و گوناگونی دارد برای مثال! در وهله اول به شناخت بیشتر خلیات و رفتار خانم‌ها کمک می‌کند و اینکه از همه مهمتر در برخورد جنس مخالف با آنها چگونه باید درست رفتار کرد، زنان نقش‌های جنسیتی مختلفی را دارا می‌شوند که باعث شکل‌گیری هویت فردی و عزت نفس آنان خواهد شد و این تا مادامی است که آنان در جامعه حضور فعال و موثر داشته باشند نه حضور تاریک یا منفعل مانند حضور در ارگان‌ها و نهادهای مختلف که نقش بسزایی در شناخت زنان در جامعه دارد.

در این مقاله کتاب‌ها و مقالات زیادی مورد توجه قرار گرفته که به شمه‌ای از آن پرداخته می‌شود از جمله: کتاب «روش تحقیق اجتماعی» اثر نیومن دبیلو (۲۰۱۱) که رویکردهای کیفی و کمی روانشناسی زنان بررسی شده است. کتاب «نظریه پنج عاملی شخصیت» اثر مایکل کروسیا (۱۹۹۹) در مورد تئوری‌های مختلف و متفاوت شخصیت زنان و همانطور که از نامش مشخص است درباره پنج بعد اصلی شخصیت زنان توضیح می‌دهد. کتاب «تحلیل بین فرهنگی رفتار زنان و مردان» اثر بولتن روانی (۲۰۰۲) که از نظر بعد فرهنگی بررسی شده و هویت میان فردی و فرهنگی زنان را که چگونه بر شکل‌گیری شخصیت آنها موثر است نقل

می‌کند. مقاله «روانشناسی زنان» اثر الیس جی اس (۲۰۱۱) به وضوح تیپ‌های شخصیتی متفاوت خانم‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت مقاله «شخصیت و روانشناسی اجتماعی» اثر کامپ بل (۲۰۰۸) که درباره تغییرات نسل‌هاست که چگونه نسل‌های متفاوت بانوان شخصیتشان شکل گرفته است؛ اما کتاب یا مقاله‌ای یافت نشد که به طور کلی به موضوع روانشناسی شخصیت زنان بپردازد. در این مقاله پس از بیان مفهوم روانشناسی و روانشناسی شخصیت، به عوامل موثر بر شخصیت زنان، تاثیرات اجتماعی و ویژگی‌های عاطفی و اجتماعی پرداخته خواهد شد. در مورد تفاوت‌های جنسیتی نیز اشاره‌ای دارد.

مفهوم شناسی:

برای مشخص شدن واژه‌هایی چون روانشناسی و روانشناسی شخصیت لازم است مفاهیم آنها مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم روانشناسی:

اصولاً روانشناسی به لحاظ لغوی به معنی پاسیولوژی (psychology) و مطالعه علمی و کاربردی فرایندهای ذهنی و رفتار انسان است که مطالعه پدیده‌های هوشیار و ناهوشیار از جمله احساسات و افکار را نیز در بر می‌گیرد.^۱

از لحاظ ریشه‌ای پاسیولوژی (psychology) از کلمه یونانی (psyche) پاسی به معنای روان یا ذهن گرفته شده است.

قسمت دوم آن برگرفته از logia است که به مطالعه یا تحقیق اشاره دارد.^۲ از لحاظ اصطلاحی به طور کلی روانشناسی به عنوان علم مطالعه آگاهانه تعریف می‌شود این علم بایست با استفاده از روش‌های تجربی و علمی به بررسی و تحقیق و تحلیل فرایندهای ذهنی احساسات و تجربیات فردی بپردازد. روانشناسی باید موضوعات مختلفی مانند احساسات تفکر ادراک و زبان را مورد بررسی قرار دهد و این کار باید به طور سیستماتیک و علمی انجام شود. همچنین می‌توان به تاکید بر اهمیت متدهای تجربی در مطالعه روانشناسی پرداخت و بر استفاده از روش‌های آزمایشی برای درک بهتر آن دسته از

۱. وونت، ویلهلم، «آزمایشگاه روانشناسی تجربی»، ص ۳.

۲. همان.

فرایندهای ذهنی پافشاری کرد که تحلیل اجرای تشکیل دهنده ذهن در روانشناسی از نظیر ادراکات و احساسات است.^۱

مفهوم شناسی روانشناسی شخصیت:

روانشناسی شخصیت معنای لغوی خاصی ندارد زیرا در زیر مجموعه علم روانشناسی به طور خاص قرار می‌گیرد که توضیح آن داده شد ولی در یک تعریف اصطلاحی به علمی گفته می‌شود که به بررسی الگوها ویژگی‌ها و تفاوت‌های شخصیتی افراد می‌پردازد و به این سوال پاسخ می‌دهد که شخصیت چگونه روی افراد تاثیر می‌گذارد.^۲

با این حال در تعریف تحلیلی و جامع از شخصیت در روانشناسی گفته می‌شود: روانشناسی شخصیت به مطالعه الگوهای ثابت در تفکر احساس و رفتار فردی می‌پردازد.

از نظر کارل یونگ: (شخصیت به عنوان واژه ای جداگانه شامل ویژگی‌ها، الگوها و تمایلاتی است که بر رفتار و تجربیات فرد تاثیر می‌گذارد).^۳

شخصیت شامل جنبه‌های پنهان و آشکار است مثل آگوس که ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی است و فقط به رفتارهای خرد محدود نمی‌شود بلکه شامل ناخودآگاه و تاثیرات فرهنگی و اجتماعی نیز می‌باشد.^۴

در کتاب تفاوت‌های جنسیتی می‌گوید روانشناسی شخصیت به شخصیت‌های گوناگون نظیر (خود سایه و آنا) اشاره می‌کند که بر شکل‌گیری شخصیت و نحوه تعامل فرد با محیطش تاثیر می‌گذارد وی اعتقاد داشت که هر فرد دارای یک هویت منحصر به فرد است به وسیله تجربه‌ها تمایلات ناخودآگاه و تاثیرات اجتماعی شکل می‌گیرد.^۵

۱. همان، ص ۲۴.

۲. یونگ، «شخصیت شناسی»، ج ۱، ص ۵.

۳. همان.

۴. کرمی، سمیرا، «مفاهیم بنیادی شخصیت»، ص ۱۸.

۵. Early (A) و -wood, (H)، تفاوت های جنسی در رفتار انسان، ج ۶، ص ۲۲.

عوامل موثر بر شخصیت زنان

شخصیت زنان به شدت تحت عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تأثیرات اجتماعی بر شخصیت زنان.

زنان عموماً تمایل به برقراری روابط نزدیک‌تر و شرایط همکاری دارند این مسئله می‌تواند به تقویت روحیه جمع‌گرایی و تعلق اجتماعی در آنها کمک کند.

و به طور کلی تفاوت‌های شخصیتی در زنان به دو گونه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. تفاوت‌های بین فردی است که ناشی از تجربه‌های زندگی تربیت و زمینه‌های شخصی می‌شود.

۲. تفاوت‌های جنسیتی که ناشی از نوعی رفتار خاص که با توجه به آن نهادهای اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد مثلاً اگر اشاره‌ای به این روند شکل‌گیری زنان در اجتماع شود. گفته می‌شود که در جوامع سنتی زنان ممکن است بیشتر به سمت ویژگی‌هایی مثل مراقبت و همدلی سوق پیدا کنند در حالی که در جوامع مدرنیته ممکن است در حوزه‌های دیگری نیز مطرح بشوند. حال نقش‌های جنسیتی یکی از آن عوامل مهم است که در تعیین رفتار و شخصیت زنان تأثیر بسزایی می‌گذارد از بدو تولد دختران با انتظارات و یک سری فشارهای اجتماعی چه از سوی جامعه و خانواده که به عنوان اولین نهاد (جامعه) کوچک است مواجه می‌شوند.^۱

به عنوان مثال بانوان در خانواده‌های سنتی بیشتر بر روی مسئولیت‌های خانگی و همچنین نقش مادری دلسوز تکیه دارند.

دومین عامل خانواده است که مهم‌ترین و اولین نهاد در جامعه می‌باشد. که در روش‌های فرزندپروری، الگوهای مدل سازی والدین و روابط بین فردی خانواده از همان ابتدا در گسترش شخصیت دختران تأثیرگذار است.

سومین عامل فرهنگ است که مجموعه خاصی از رفتارها و اعتقادات و باورهای خاص را دربر می‌گیرد که می‌تواند بر روی شخصیت افراد تأثیر بگذارد و گاه سبب می‌شود که نقش

۱. جی. اس، «مقاله فصلنامه روانشناسی زنان»، ص ۱۵.

مدیریت استرس، خودآگاهی، سازگاری و کاهش اضطراب و افسردگی. به طور خلاصه زنان قادرند روابط خود را به طور مثبت و معقولی مدیریت کرده و از درگیری‌ها و تنش‌ها جلوگیری کنند که این مهم بیشتر به ویژگی ذاتی آنها برمی‌گردد و اینکه با ثبات عاطفی بالاتر معمولاً بهتر می‌توانند با موقعیت‌های تنش‌زا کنار بیایند و به شیوه سالم مدیریت کنند. با توضیحاتی که داده شد شاید سوال شود که این در مورد زنان یک تناقض و تضاد است و چطور ممکن است که همزمان در دچار شدن این احساسات و حل کردنش بی نقص عمل کنند و در جوابش گفته می‌شود که خانم‌ها به خاطر ذهنیت چند بعدی توانایی جالب توجهی در هر دوی آنها دارند. و این به عنوان یک پوان مثبت و خدادی در مورد شان تلقی می‌شود که کارایی دو نیمکره همزمان باهم سبب ایجاد این صفت شده است.

خانم‌ها معمولاً از تجربیات خود سود بهینه‌تر و بهتری می‌برند و این یک پله‌ای بسیار ارزشمند برای رفتن به سمت اهداف مورد نیاز آنهاست. زیرا در تحمل شرایط پیش آمده و اینکه چگونه خود را با محیط اجتماعی وفق دهند فوق العاده توانمند هستند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که واکنش‌های مناسبی در موقعیت‌های خاص داشته باشند.

گشودگی به تجربه

آخرین مورد از تئوری ۵ عاملی شخصیت به گشودگی تجربه پرداخته می‌شود گشودگی به تجربه زنان می‌تواند بر جنبه‌های مختلفی تظاهر کند که بارزترینش قرابت با خلاقیت است که زنان دارای گشودگی بالا عموماً خلاق‌تر هستند و تمایل بیشتری به ابراز خلاقیت خود از طریق هنر، نوشتن، طراحی یا سایر فعالیت‌های خلاقانه دارند. به طور کلی این زنان در رشته‌های نقاشی، طراحی با مداد، خیاطی و آشپزی، عکاسی امور مربوط به دوربین و فیلمبرداری و هر تولید خلاقانه در هر حیطه‌ای بسیار خوب و موثر عمل می‌کنند. آنها در پذیرش تنوع و قبول کردن فرهنگ‌ها قوی هستند و به راحتی خود را با انقلاب‌ها و دگرگونی‌های شرایط پیش آمده سازگار می‌کنند.

غالباً این جنبه از گشودگی به تجربه به گزینه سازگاری در ثبات عاطفی بسیار شبیه است. این قسمت در گزینه ازدواج خانم‌ها مرسوم است و به همین علت است که خانم‌ها وقتی ازدواج می‌کنند می‌توانند به خاطر همسر خود به شهر زادگاه آنها بروند یا اینکه وقتی از

فرهنگی به فرهنگ دیگری منتقل می‌شوند خود را با ساختار خانوادگی آنها همراه کنند. زیرا ازدواج نوعی مهاجرت است که باید با آن کنار آمد و خواه ناخواه با آغوش باز پذیرفتش.^۱ در این تئوری زنان تمایل به ماجراجویی دارند از جمله سفر به مکان‌های جدید یا امتحان غذاها و فعالیت‌های جدید این چنین است که معمولاً این خانم‌ها از چندین فعالیت مختلف سر رشته دارند و علاقه به استفاده از چیزهای متنوعی دارند مانند لباس، غذا، مکان‌های دیدنی تفریحی و علمی، تزیین دکور و از این قبیل موارد که خیلی زیاد هم هست، لذت می‌برند.

این مدل از زنان تفکر انتقادی و تحلیلی قابل توجهی دارند و به سوالات فلسفی و منطقی که معنای عمیق و ژرفی دارد پاسخ می‌دهند. همیشه مطالبی برایشان جذاب است که بتوانند با علتی درست و معقول بپذیرند و به معلول مد نظر خود برسند.^۲

تیپ‌های شخصیتی زنان

تیپ شخصیتی زنان را می‌توان در ۴ فاکتور اساسی توضیح داد:

۱. زنان برونگرا، این دسته از زنان اصولاً شادتر از بقیه هستند از تعاملات اجتماعی با دیگران لذت می‌برند. زنان برونگرا اهل گپ و گفت، انرژی بالا، و مثبت اندیشی هستند. معمولاً ویژگی‌هایی نظیر شوخ طبعی، خوش سفری مهمان نوازی و غیره پای ثابت اخلاق شان هست. اگر در جمعی ببینند که کسی ناراحت و سرخورده است سریع به سراغش رفته و او را تشویق به همکاری سرگرم گفتگو با خود می‌کنند و همچنین خوش مشرب و طناز اند. اگر خود غمگین و نگران باشند علتش را به سرعت فاش کرده (به اصطلاح خود را خالی می‌کنند) و مایوس و گریان بودن در صورتشان پیدا است.

در بیشتر اوقات به عنوان لیدر (رهبر) گروه شناخته می‌شوند و در اجرا، گویندگی و خبرنگاری توانمند هستند.

۲. زنان درونگرا، دومین تیپ شخصیتی است. آنها به تنهایی و منزوی بودن معروفند؛ اغلب فکر می‌کنند که آنها افسرده و مضطرب هستند و یا خیلی خجالتی، اما اینطور نیست. تفاوت‌های بسیاری بین یک فرد درونگرا با فرد خجالتی و کم رو هست که آنها را تمیز می‌دهد. رفتار درونگراها به این شکل است که شلوغی و پرحرفی آزارشان می‌دهد و در

۱. همان.

۲. جی، «طبیعت کودک»، ص ۴۴.

گروه‌های کوچک با افراد کمتر ارتباط بهتری می‌گیرند و همینطور که از نامش پیداست بسیار عمیق و درونی‌اند و به راحتی با کسی دوست نمی‌شوند. ولی اگر با فردی صمیمی شوند بسیار با او احساس راحتی داشته و خیلی گرم گفتگو و خوش و بش می‌شوند. این گروه از افراد بیشتر اهل تفکر و تأمل‌اند. خیلی دیر به دیر عصبانی می‌شوند و برای برقراری ارتباط، بیشتر از پیغام دادن استفاده می‌کنند تا تماس گرفتن و با نوشتن خیلی همراه هستند. آنها معمولاً نویسندگان خوبی از آب در می‌آیند.

۳. زنان عصبی و غیر منطقی که این نوع تیپ شخصیتی نقطه مقابل زنان منطقی و متفکر و تحلیلگر قرار می‌گیرد، زنان عصبی اصولاً غیر معقول هستند و زود از کوره در می‌روند. آنها فوق‌العاده احساسی، حساس، تکانشی و هیجانی هستند، همیشه قبل از فکر کردن جواب می‌دهند و به جای یافتن راه حل درست و عقلانی، درگیری ایجاد کرده و ناملایمی دارند. آنها زنانی فوق‌العاده جوشی و بد خلق بوده، هنگام ارتباط برقرار کردن با اطرافیان خود بسیار رک، بی‌پروا و گاهی گستاخانه عمل می‌کنند. اگر فرزند داشته باشند مادری نامهربان و فاقد درک هستند که تحت هیچ عنوان مشکلات فرزندش را حل‌جی نمی‌کنند و جای اینکه با او حرف بزنند با گله و شکایت و فحاشی زندگی را به او می‌آموزند.

۴. نوع آخر زنان منطقی و تحلیلگراند. معمولاً صبور، پرتلاش، آرام بوده و در کمال خونسردی و تفکر راه چاره را برای خود و اطرافیانشان باز می‌کنند. اصولاً صفات این تیپ شخصیتی خانمها با زنان عصبی کاملاً بالعکس است.

از خصوصیات بارزشان اینکه: (انعطاف پذیر و اهل برنامه ریزی هستند. آنها بانوانی کاملاً منضبط و با اخلاقند و قوانین زندگی را بر پایه نظم و تفکر ایجاد می‌کنند. جایی که باید مهربانی کرده و در موقعیت به جا سخن و حرف حق را در جای خود می‌نشانند. به عبارتی دیگر ضرب‌المثل هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد؛ کاملاً بر اینها صدق می‌کند). زیرا در اکثر موارد بسیار منطقی و آگاهانه عمل می‌کنند نه از روی احساسات زود گذر.

اصولاً نوع برخورد مردم با این تیپ از زنان بسیار با احترام و عزت و سنگین و با وقار بوده است. زیرا خوشان از جنس افراد با ملاحظه، مودب و محترم هستند و معمولاً وجه تمایزشان با دیگر تیپ‌های شخصیتی این است که با همه نوع اخلاقیاتی کنار می‌آیند و به نوعی رگ خواب افراد را پیدا می‌کنند و با آنها هم بحث می‌شوند. اینکه معمولاً همه هم دوستشان دارند

زیرا در حل و فصل مشکلات افراد خیلی زود با روش عقلی و تحلیلگرانه وارد شده و آنها را کمک می‌کنند و حق را به حقدار می‌رسانند.

جالب توجه است که این گروه از زنان کتاب بسیار مطالعه می‌کنند و مدام در حال یادگیری و آموزش هستند زیرا خود را در برابر اقشار مختلف جامعه مسئول می‌دانند که راجع به اکثر موضوعات دانایی و آگاهی داشته باشند و مثل زنان درونگرا هم نویسندگان خوبی می‌توانند باشند. در کل اخلاق باثباتی دارند، خیلی کم عصبانی می‌شوند و با حرف زدن حل می‌کنند. بیشترین آمار این نوع زنان را می‌توان در مشاغل آموزشی و به عنوان معلم یا استاد دانشگاه یافت.^۱

نتیجه:

روانشناسی شخصیت زنان موضوعی چند بعدی است که تحت تاثیر عوامل: فرهنگی، اجتماعی، رفتاری قرار دارد. ویژگی های شخصیتی زنان می‌تواند بر روابط اجتماعی، انتخاب‌های شغلی و کیفیت زیست آنها تاثیر بگذارد و اینکه برای آشنایی و شناخت بهتر و بیشتر جامعه و همچنین بهبود عملکرد یک ملت پویا باید با انواع تیپ‌های شخصیتی زنان و ابعاد مختلف شخصیت آنها آشنا بود. درک این ویژگی‌ها می‌تواند به رشد شخصیت آحاد جامعه اعم از زن، مرد، کودک و نوجوان و غیره اثر گذار باشد. پس در راستای توسعه جامعه‌ای عادلانه‌تر و حمایت از بانوان آگاهی نسبت به روانشناسی شخصیت زنان، مفهوم‌شناسی و تعریف این علم کمک شایانی به مردم می‌کند. شناخت الگوهای اخلاقی و رفتاری زنان یکی دیگر از آن مباحث پر رنگ است که بسیار حائز اهمیت و ضروری است.

فهرست منابع:

- ۱- آر، ماکریا، و کارپت پی تی، «نظریه پنج عاملی شخصیت»، نشر مطبوعات گیلفورد، مترجم پروین کاسبی، ۱۹۹۹.

۱. همان، ص ۸۸.

- ۲- اس، مک کوبی، و ژاکلین، ام، «روانشناسی تفاوت‌های جنسیتی»، انتشارات دانشگاه استنفورد، ۱۹۷۴.
- ۳- پی ام، بوس، «راهنمای رفتار انسان و مغز در حال رشد»، بی جا، ۲۰۰۰.
- ۴- جی، اس، الیس، «مقاله فصلنامه روانشناسی زنان»، ۲۰۱۱.
- ۵- جی، کاگان، «طبیعت کودک»، بی جا، ۱۹۹۴.
- ۶- دبیلو، نیومن، «رویکردهای کمی و کیفی»، انتشار تحقیقات اجتماعی آلین و بیکن، ۲۰۱۱.
- ۷- دی، سی، و موریسون ک، «نقش جنسیت در ویژگی‌های شخصیتی»، بی جا، ۲۰۱۶.
- ۸- روانی، بولتن، «تحلیل بین فرهنگی رفتار زنان و مردان»، بی جا، ج ۵، ۲۰۰۲.
- ۹- سی، گیلکان، «سی در صدایی متفاوت»، انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۸۲.
- ۱۰- کوهن اس، بارون، «مردان، زنان و مغز افراطی مردانه»، بی جا، بی نا، ۲۰۰۵.
- ۱۱- کرمی، سمیرا، «مفاهیم بنیادی شخصیت»، انتشارات علم و فرهنگ، ۱۴۰۰.
- ۱۲- وونت، ویلهم، «آزمایشگاه روانشناسی تجربی»، لایپزیگ آلمان، بی نا، ۱۹۲۰-۱۸۳۲.
- ۱۳- هارپر، کالنیز، «زن و مرد در مکالمه»، بی نا، بی جا، بی تا.
- ۱۴- یونگ، کارل، «شخصیت شناسی»، انتشارات آلمان، چاپ اول، ۱۹۶۱-۱۹۷۵.
- ۱۵- Early(A)، و-wood(H)، «تفاوت‌های جنسی در رفتار انسان»، انتشارات نقش‌های اجتماعی روانشناسی امریکایی، ج ۶، ۱۹۹۹.